



مقاله با موضوع

تلاش‌های امام صادق علیه السلام

نویسنده

اسماعیل نساجی زواره



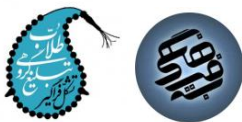
تلاش‌های فرهنگی امام صادق (ع)

امام صادق (ع) همانند دیگر امامان معصوم (ع) دارای کمالات و فضایل انسانی در مرتبه اعلی است که بعد از شهادت پدر بزرگوارش امامت و رهبری شیعیان را به عهده گرفت و به رغم مشکلات حادّ جامعه مسلمین در مدت ۳۴ سال امامت پر برکت خویش، نقش شایسته ای در گسترش فرهنگ حیات بخش اسلام انجام داد. گوشه ای از تلاش‌های آنحضرت در عصر امامتش را بیان میکنیم:

۱- دعوت به ولایت پذیری

بزرگ‌ترین ظلمی که بعد از رحلت پیامبر اسلام (ص) نسبت به جهان اسلام و بشریت شد، این بود که امامت و ولایت را از مسیر حق منحرف کردند. کم کار به جایی رسید که از زمان معاویه آن را به سلطنت تبدیل نمودند و مردم را چون بردگان به خدمت می‌گرفتند.

آنان می‌خواستند که دیگر از امامت و جانشینی خاتم پیامبران و رهبری حقیقی و دینی اثری نماند. وقتی نوبت به امامت امام صادق (ع) رسید در مناسبت‌های گوناگون با بیانات شیوای خود، اهمیت این مسأله را بیان فرمود.



«عیسی بن سری» می‌گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم پایه‌هایی که دین اسلام بر آن بنا شده است، به من بفرما. آن حضرت فرمود: «گواهی به یگانگی خداوند و این که محمد(ص) رسول و فرستاده اوست: اقرار نمودن به آن چه از جانب خداوند آورده (قرآن) و ولایتی که خداوند به آن امر فرموده و آن ولایت آل محمد است.»(۱)

انتظار حضرت صادق از شیعیان:

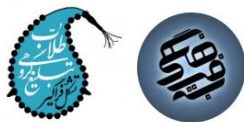
یکی از انتظارات واقعی امام صادق (ع) از شیعیان واقعی این است که نسبت به امامان خویش معرفت و شناخت داشته باشند و با دل و جان ولایت آن‌ها را بپذیرند نه این که فقط مدعی ولایت مداری باشند، آن حضرت با تبیین علایم و نشانه‌ها، ولایت پذیران اصلی را از غیر اصلی جدا نموده به طوری که می‌فرماید: «شیعیان سه دسته هستند: گروهی به وسیله ما زینت می‌یابند و ما را وسیله عزت و آبروی خویش قرار می‌دهند، گروهی ما را وسیله درآمد زندگی دنیایی خویش قرار داده و از این طریق زندگی می‌کنند و گروهی از ما و به سوی ما هستند با امنیت ما آرامش می‌یابند و با ترس ما ترسان هستند، در برابر جفاکاران خودنمایی ندارند، اگر پنهان باشند کسی سراغ آن‌ها را نمی‌گیرد و اگر آشکار باشند به آن‌ها اعتنا نمی‌شوند. گروه سوم به حقیقت شیعیان واقعی و راهنمایان مردم هستند.»(۲)

امام صادق(ع) علاوه بر سفارش‌های مکرر به ولایت پذیری و امام شناسی در مکتب تربیتی خویش، شیعیان ولایتی تربیت نمود و آنان را ولایت مدار بار می‌آورد. در این زمینه داستان «عبدالله بن یعفور» یکی از شیعیان با اخلاص و فداکار که در پذیرش ولایت ائمه اطهار (ع) اسوه‌ای کامل و نمونه‌ای بارز برای تمامی شیعیان می‌باشد، قابل تأمل و دقت است او با همه عظمت علمی و موقعیت اجتماعی در برابر فرمان امام خویش تسلیم محض بود.

۲- استناد به قرآن

جایگاه و نقش ائمه اطهار (ع) در ترویج و توسعه فرهنگ قرآنی به ویژه تفسیر قرآن کریم، نقش کلیدی و اساسی در تبیین حقایق قرآنی است. با اندکی تأمل در زندگانی حضرت امام جعفر صادق (ع) روشن می‌شود که قرآن در سیره و سخن آن امام بزرگوار جایگاه ویژه‌ای داشته و زندگی روزمره خود را با آیات قرآن آن چنان آمیخته بود که در تمام ابعاد پرتو افشانی می‌کرد.

آن حضرت با حالت ملکوتی خاصی آیات قرآن را در نماز تلاوت می‌کرد، به طوری که از حالت عادی خارج می‌شد. روزی یکی از حاضران از او پرسید: این چه حالی بود که به شما دست داد؟ فرمود: «پیوسته آیات قرآن را تکرار کردم تا این که به حالتی رسیدم که گویی آن آیات را به طور مستقیم از زبان نازل کننده اش می‌شنیدم.»(۳)



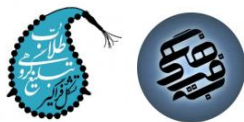
«مسعدة بن صدقه» می گوید: شنیدم که از امام صادق (ع) پرسیده شد: آیا امر به معروف و نهی منکر بر تمام مردم واجب است؟ حضرت فرمود: خیر! به حضرت عرض شد چرا؟ فرمود: بر کسی واجب است که توانمند، دارای جایگاه علمی و عالم به معروف و منکر باشد و بر انسان ناتوان واجب نیست، دلیل آن قرآن کریم است که می فرماید: «و لتكن منكم امةٌ يدعون الى الخير و يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر»؛ (۴) باید از میان شما گروهی باشند که به خیر دعوت کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند.»

تعبیر (منکم) عده‌ای خاص را بیان می کند، نه عموم مردم را چنان که در این آیه شریفه آمده است: «و من قوم موسى امةٌ يهدون بالحق و به يعدلون»؛ (۵) و برخی از قوم موسی به راه حق هدایت می کنند و به آن باز می گردند.» یعنی عده‌ای از قوم موسی به حق هدایت می کنند نه همه. در این جا امام صادق (ع) به حرف «من» در (منکم) و (من قوم موسی) استدلال کرد که امر به معروف و نهی از منکر بر همه افراد واجب نیست، بلکه بر کسانی که توانایی و آگاهی نسبت به معروف و منکر داشته باشند، واجب است. (۶)

۳- تأسیس دانشگاه و تربیت شاگردان

امام صادق (ع) بعد از شهادت پدر بزرگوارش امام محمد باقر(ع) در طول ۳۴ سال امامتش با پنج طاغوت اموی و دو طاغوت عباسی روبرو بود. در این ایام بر اثر جنگ و ستیزهای بنی عباس برای براندازی حکومت بنی امیه و درگیری شدیدی که آن‌ها با یکدیگر داشتند، فضای بازی برای آن حضرت فراهم شد. آن امام همام در این فرصت توانست وسیع‌ترین دانشگاه اسلامی را پی ریزی کند و در این راستا توفیقات سرشاری به دست آورد، به طوری که حدود چهار هزار نفر شاگرد از مجلس درس او با واسطه و بدون واسطه استفاده می کردند و بسیاری از آنان به مقامات عالی علمی و فقهی نایل شدند. برجستگان و فرزاندانی همچون: «زراره بن اعین»، «هشام بن حکم»، «جابر بن حیان»، «ابان بن تغلب»، «مفضل بن عمر»، «مؤمن الطالق»، «هشام بن سالم»، «معلی بن خنیس» و... از این دانشگاه فارغ التحصیل شدند که هر کدام استاد برجسته و پایه گذار علوم و صاحب کرسی تدریس در فنون گوناگون علوم شدند و کتاب‌های مختلفی برای آگاهی بخشی به نسل‌های آینده تألیف نمودند و منشأ آثار و برکات و تحولات عظیمی در تاریخ اسلام و تشیع شدند.

حضور در دانشگاه جعفری مخصوص شیعیان نبود، بلکه افراد زیادی همچون «ابوحنیفه» رئیس مذهب حنفی، «مالک ابن انس» رئیس مذهب مالکی، سفیان بن ثوری، یحیی بن سعید و... از شاگردان این دانشگاه بودند. (۷)



آن حضرت شاگردان خود را براساس ذوق و استعداد تعلیم می‌نمود و در همان رشته تشویق و تعلیم می‌داد و این گونه بود که مکتب تشیع در اثر تلاش‌های فرهنگی امام صادق (ع) به صورت چشم‌گیری گسترش یافت و به اکثر قلمروهای اسلامی رسید و بسیاری از مسلمانان در آن دوران طلایی به مکتب اهل بیت (ع) گرویدند.

۴- شکوفایی علم فقه

امام صادق (ع) در پرورش و شکوفایی علم فقه تلاش فراوان می‌کرد، بنابراین عظمت علمی آن امام بزرگوار در این علم در اوج قرار دارد و شاگردان بی شماری را در زمینه فقه و نشر آن تربیت نموده است. در علم فقه بهترین نظریات را ارائه نموده که هم اکنون روایات فقهی او در کتب اربعه (تهذیب و استبصار شیخ طوسی، کافی کلینی و من لایحضره الفقیه شیخ صدوق، گردآوری شده است و شاگردانی همچون «جمیل بن دراج»، «عبدالله بن مسکان»، «حماد بن عثمان» و... در فقه تحویل جامعه اسلامی داده است.

آن حضرت برای حل مشکلات جامعه در عصر غیبت می‌اندیشید و برای مردم مسلمان که از امام خود دور هستند و دسترسی به حجت خدا ندارند، تقلید و پیروی از مجتهدان و فقهای جامع الشرایط را سفارش می‌کرد.

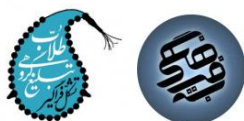
امام صادق (ع) در مورد شرایط یک فقیه کامل و جایگاه او می‌فرمود: «هر کس از میان شما حدیث ما را روایت و در حلال و حرام ما دقت کند و احکام ما را بشناسد، پس باید او را به عنوان حاکم شرع و مجتهد پذیرفت و هرگاه طبق نظر ما حکم کند و کسی آن را نپذیرد بدرستی (رد کننده) حکم خدا را سبک شمرده و فرمان ما را رد کرده است و هر کس فرمان ما را رد کند فرمان خدا را رد کرده است.» (۸)

۵- نشر علم حدیث

آثار به جای مانده در زمینه حدیث از امام صادق (ع) بیش‌تر از سایر معصومین (ع) است. هیچ کتاب فقهی، حدیثی و تفسیری شیعه نمی‌تواند از کلام امام صادق (ع) خالی باشد.

امام صادق (ع) در حوزه علم حدیث و آیات الاحکام بیش‌ترین فرصت را یافت و توسط چهار هزار نفر از شاگردان خود، تفکرات شیعی را در دورترین نقاط جهان منتشر نمود.

هر یک از شاگردان آن حضرت نیز خدمات بزرگ فرهنگی و علمی را در مناطق مختلف عهده دار شد و حتی رهبران برجسته



اهل سنت در عرصه حدیث از محضر آن گرامی بهره‌مند شده‌اند: به طوری که ابوحنیفه بارها می‌گفت: «اگر آن دو سال که نزد امام صادق (ع) درس خواندم نبود، من هلاک می‌شدم.» (۹)

۶- کشف علم شیمی

یکی از علومی که از محضر پیشوای ششم نشأت گرفته و بعداً در سایر مناطق رشد و توسعه یافت، «علم شیمی» است. از آن جایی که امام صادق (ع) هر دانشی را به اهل آن می‌آموخت و شایستگی و استعداد افراد را معیار تعلیم علوم قرار می‌داد، علم شیمی را به شاگرد شایسته و ممتاز خود، «جابر بن حیان کوفی» آموخت. او در این علم مهارت یافت و به پدر شیمی موسوم گردید. جابر بن حیان چنان در این عرصه درخشید و تعالیم صادق آل محمد (ع) را به دنیا عرضه کرد که پیشرفت علوم و تکنولوژی جهان غرب امروزه مدیون اندیشه‌های اوست. امروزه تألیفات جابر بن حیان در کتابخانه‌های مهم دنیا نگهداری می‌شود. نسخه‌ای از کتاب «الخواص الکبیر» در موزه انگلستان و نسخه‌ای از کتاب «الاحجار» در کتابخانه ملی پاریس موجود است. معروف‌ترین کتاب وی، «مجموعه کامل اسرار طبیعت» است که بار اول در سال ۱۴۹۰ میلادی به چاپ رسید و در سال ۱۶۶۸ میلادی به انگلیسی و در سال ۱۶۷۲ به فرانسه ترجمه شد او همه این مهارت‌ها و فنون را از محضر حضرت صادق (ع) به دست آورد. (۱۰)

۷- نشر آثار جاویدان

شاگردان حوزه شیعی آن حضرت آثار گران بهایی را از خود آن بزرگوار نقل نموده‌اند و یا خود تألیف کرده‌اند. برخی از کتاب‌های منسوب به حضرت امام صادق (ع) به شرح زیر است:

- ۱- کتاب «التوحید» که آن حضرت املا کرد و مفضل بن عمر آن را تحریر نمود. (۱۱)
- ۲- «رسالة فی وجوه معایش العباد» که در زمینه انواع شغل‌ها، تجارت و صنعت می‌باشد. (۱۲)
- ۳- «رسالة فی الغنائم» که پاسخ‌های آن حضرت پیرامون خمس و غنائم است. (۱۳)
- ۴- «الجعفریات» که مجموعه روایاتی است به ترتیب ابواب فقه که امام کاظم (ع) آن را نقل نموده است. (۱۴)
- ۵- «نثر الدرر» صحیفه‌ای است در کلمات قصار آن حضرت (ع) که گویا به صورت مجموعه‌ای واحد بوده و «ابن شعبه حرّانی» آن را در کتاب «تحف العقول» یک جا آورده است. (۱۵)
- ۶- «رسالة الامام الی اصحابه» که راهنمایی برای سلوک یارانش می‌باشد. (۱۶)



۷- «الرساله الاهوایه» که در پاسخ والی اهواز نوشته شده است. (۱۷)

۸- «کتاب الحج» که «ابان بن عبدالملک» آن را نقل کرده است. (۱۸)

به جز این‌ها نوشته‌های دیگری نیز به آن حضرت منسوب است.

۸- تشویق به تفکر

پیشرفتهای جوامع و افراد بر اثر بهره‌وری از توان عقل و تفکر و قدرت عمل و تلاش است. پیامبران، امامان و بندگان صالح خدا همگی اهل فکر و تعقل بوده‌اند. در منزلت ابوذر غفاری امام صادق (ع) فرمود: «کان اکثر عباده ابی ذرّ التفکر و

الاعتبار؛ (۱۹) بیش‌ترین عبادت ابوذر، اندیشه و عبرت‌اندوزی بود.»

امام صادق (ع) در سیره رفتاری و عملی خود برای اندیشه و تفکر ارزش والایی قایل هست و زیباترین و رساترین سخنان را درباره ارزش تعقل و تفکر در مسائل دینی بیان فرموده است.

آن حضرت می‌فرماید: «لا خیر فی من لایتفقّه من اصحابنا. انّ الرّجل منهم اذا لم یستغن بفقّهه احتاج الیهم فاذا احتاج الیهم

ادخلوه فی باب ضلالتهم و هو لایعلم؛ (۲۰) از دوستان ما کسی که در دین خود اندیشه و تفقه نکند، ارزش ندارد. اگر یکی از

دوستان ما در دین خود تفقه نکند و به مسایل و احکام آن آشنا نباشد، به دیگران (مخالفین ما) محتاج می‌شود، هر گاه به

آن‌ها نیاز پیدا کرد، آنان او را در خط انحراف و گمراهی قرار می‌دهند در حالی که خودش نمی‌داند.»

ضرورت یادگیری احکام دینی در منظر پیشوای ششم آن قدر مهم است که می‌فرماید: «اگر به جوانی از جوانان شیعه برخورد

نمایم که در دین تفقه نمی‌کند، او را تأدیب خواهیم کرد.» (۲۱)

۹- بهره‌گیری از افراد توانا

ششمین اختر تابناک آسمان ولایت و امامت با ارزیابی قابلیت‌ها و توانمندی‌های شاگردان خود، برخی از آن‌ها را برای پاسخ

به سؤالات و گفتگوهای علمی پرورش داده بود. به عنوان مثال در مباحث کلام و مباحث اعتقادی به ویژه مسائل امامت،

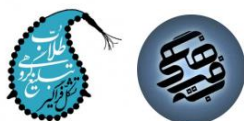
افراد ممتاز و برگزیده‌ای همچون «هشام بن سالم»، «هشام بن حکم»، «حمران بن اعین» و... را تربیت کرده و به موقع از

آن‌ها استفاده می‌کرد.

«یونس بن یعقوب» می‌گوید: نزد امام صادق (ع) بودم که مردی از سرزمین شام به دیدن آن حضرت آمد و اظهار داشت که

من مردی هستم صاحب فقه و کلام، اکنون آمده‌ام تا با یارانت بحث و گفتگو کنم: حضرت فرمود: این علم کلامی که تو

درباره آن صحبت می‌کنی از کلام رسول خداست یا ساخته ذهن خودت است؟ مرد گفت: بخشی از آن کلام پیامبر (ص) است



و بخشی از آن کلام خودم. امام فرمود: پس تو شریک رسول خدا هستی؟ گفت: نه، حضرت فرمود: پس به تو وحی رسیده است؟ گفت: نه، اینجا بود که امام صادق (ع) به من روی کرد و فرمود: ای یونس! این مردی است که پیش از آن که سخن بگوید، خود را محکوم کرده است. سپس فرمود: ای یونس! اگر کلام می‌دانستی با او مناظره می‌کردی! اکنون بیرون رو و بین چه کسانی از صاحبان کلام را پیدا می‌کنی، آن‌ها را نزد من بیاور. یونس می‌گوید: بیرون رفتم و تعدادی از متکلمین همچون: حمران بن اعین، هشام بن سالم، قیس بن ماصر و... را دیدم. آن‌ها را به حضور امام بردم و آن حضرت دستور داد تا با مرد شامی مناظره کنند. آن‌ها هر کدام با مرد شامی بحث و گفتگو کردند و بر او در زمینه ی علم کلام غالب گشتند. (۲۲)

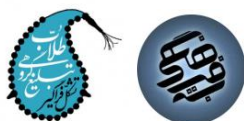
۱۰- دعوت به پیروی از اخلاق حسنه

نیاز به اخلاق حسنه یک نیاز بشری و انسانی است و به جامعه خاصی اختصاص ندارد. به همین جهت پیامبر اکرم (ص) فرمود: «اگر انسان بداند چه چیزی برای او در اخلاق نیک وجود دارد، حتماً متوجه می‌شود که او به داشتن اخلاق نیکو نیازمند است.» (۲۳)

حسن خلق آن قدر عظمت و ارزش دارد که هر کسی به عمق و ژرفای آن نمی‌رسد و به هر کس عنایت نمی‌شود، چنان که امام صادق (ع) فرمود: «ولا یكون حُسنُ الخُلُقِ الا فی کلِّ ولیٍّ و صفیٍّ و لا یعلم ما فی حقیقَةُ حُسنِ الخُلُقِ الا اللّهُ تعالیٰ؛ (۲۴) و حسن خلق یافت نمی‌شود مگر در وجود دوستان و برگزیدگان خداوند و آن چه در حقیقت خلق نیکوست، جز خداوند متعال کسی نمی‌داند.»

رئیس مکتب جعفری نه تنها به بیان اهمیت و ارزش اخلاق بسنده نکرده، بلکه در سیره خود برای ثمر بخش بودن آن در جامعه به بیان موارد و مصداق‌های عینی آن نیز پرداخته است تا مسأله مذکور ملموس‌تر و محسوس‌تر شود. از آن حضرت در مورد مکارم اخلاق سؤال شد، فرمود: «العفو عمن ظلمک وصله من قطعک و اعطاء من حرمتک و قول الحق و لو علی نفسک؛ (۲۵) گذشت از کسی که به تو ستم روا داشته است و ارتباط داشتن با کسی که با تو قطع رابطه کرده است و عطا نمودن به کسی که تو را محروم ساخته و گفتن سخن حق هر چند به ضرر تو باشد.»

آن حضرت در ادامه این موضوع به ثمرات و فواید اخلاق نیک اشاره نموده است و می‌فرماید: «حُسنُ الخُلُقِ یزید فی الرزق؛ (۲۶) خوی نیک باعث افزایش روزی می‌شود.»



در روایتی دیگر شیعیان را به خوش رفتاری با خانواده سفارش نموده و آن را موجب طولانی شدن عمر می‌داند و می‌فرماید: «من حسن بره فی اهل بینه زید فی عمره؛ (۲۷) هر کس با خانواده خود، خوش رفتاری کند، عمرش طولانی می‌شود.» هم چنین رعایت اصول اخلاقی و توجه به آداب انسانی و خوش برخوردی را از ویژگی‌های مکتب تشیع دانسته و آن را بر شیعیان راستین لازم شمرده و بر اجتناب از بدخلقی تأکید نموده است.

پی‌نوشتها:

۱. اصول کافی، کلینی، ج ۳، ص ۳۴.
۲. ماهنامه پاسدار اسلام، شماره ۲۶۴، آذرماه ۱۳۸۲، ص ۲۷.
۳. بحارالانوار، مجلسی، ج ۸۴، ص ۲۴۸.
۴. سوره آل عمران، آیه ۱۰۴.
۵. سوره اعراف، آیه ۱۵۹.
۶. تفسیر نور الثقلین، علی بن جمعه الحویزی، ج ۱، ص ۳۸۰.
۷. منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، ج ۲، ص ۱۳۹.
۸. تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج ۶، ص ۲۱۸.
۹. سیر اعلام النبلاء، شمس الدین ذهبی، ج ۶، ص ۲۵۷.
۱۰. ماهنامه مبلغان، شماره ۷۲، شوال ۱۴۲۶ ه.ق، ص ۳۱-۳۰.
۱۱. الفصول المهمه، ابن صباغ مالکی، ص ۲۲۲.
۱۲. تحف العقول، ابن شعبه حرانی، ص ۳۳۱.
۱۳. همان، ص ۳۳۱.
۱۴. الذریعة الی تصانیف الشیعه، علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی، ج ۲، ص ۱۰۹.
۱۵. مأخذ قبل، ص ۳۲۴-۳۱۵.
۱۶. اصول کافی، ج ۸، ص ۱۴-۲.
۱۷. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۸۹.



۱۸. رجال نجاشی، ابوالعباس نجاشی، ص ۱۴.
۱۹. مأخذ قبل، ج ۲۲، ص ۴۳۱.
۲۰. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵.
۲۱. بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۶۱.
۲۲. الارشاد، شیخ مفید، ص ۲۶۱.
۲۳. میزان الحکمة، ری شهری، ج ۲، ص ۷۹۹.
۲۴. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۹۳.
۲۵. معانی الاخبار، شیخ صدوق، ص ۱۹۱.
۲۶. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۹۵.
۲۷. کشف الغمة فی معرفة الائمه، علی بن عیسیٰ اربلی، ج ۲، ص ۲۰۸.

